

نقد پدیدار شناسی به مثابه روش پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت

علی صحبتلو^۱

بیان مساله

هدف از نگارش این مقاله نقد پدیدار شناسی به مثابه روش پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت است. در این مقاله دیدگاههای فیلسوفان مختلف از جمله هوسرل، هایدگر و مرلو پونتی به تصویر کشیده می شود و مجدداً در زمینه پدیدار شناسی بررسی می شوند و پس از تکمیل و ارزیابی آنها تصویر روشنی از مفهوم پدیدار شناسی ارائه می شود. باقری وهمکاران (1389) پدیدار شناسی را به عنوان یک روش در فلسفه تعلیم و تربیت در نظر گرفته اند. مقصود از روش پژوهش، نحوه به انجام رساندن فعالیت فکری و عملی برای فراهم آوردن پاسخ به پرسش جدی و اساسی است. پدیدارشناسی دارای این خصوصیات و ویژگیها نیست در نتیجه نمی تواند به عنوان روش در فلسفه تعلیم و تربیت مطرح شود. پدیدارشناسی به عنوان یک رویکرد قابل مطرح می باشد. مقصود از رویکرد، نوعی نگرش بنیادی یا فلسفی در مورد پدیده های انسانی، به طور کلی، و تعلیم و تربیت، به طور خاص است. در این پژوهش نیز اگر از رویکرد پدیدار شناسی سخن می گوئیم، نوعی نگرش به پدیده های انسانی را مورد توجه قرار داده ایم که به دنبال پژوهش و آگاهی مستقیم نسبت به تجربیات و مشاهدات است. بنابراین ادعای نویسنده مقاله این است که پدیدار شناسی که با عینیت گرایی سر ستیز دارد به عنوان یک نوع نگاه و رویکرد در فلسفه تعلیم و تربیت مطرح می باشد نه به عنوان روش. برای این منظور بخشی از کتاب «رویکردها و روش های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت» که به روش پدیدار شناسی اختصاص داده شده و نویسندگان کتاب آن را به عنوان یک روش در فلسفه تعلیم و تربیت مطرح نموده است مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

^۱- دانشجوی دوره دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه فردوسی مشهد

alisohbatlo@mail.com



سوالات پژوهشی

- 1- مفهوم و ماهیت پدیدارشناسی چیست؟
- 2- جهت‌گیریهای مختلف مضامین اصلی پدیدارشناسی چه می‌باشد؟
- 3- آیا پدیدارشناسی را می‌توان به منزله روش در فلسفه تعلیم و تربیت مطرح کرد؟
- 4- اگر پدیدارشناسی به عنوان روش در فلسفه تعلیم و تربیت مطرح است؛ چه نقدهای بر آن وارد است؟ و دارای چه ویژگی‌هایی می‌باشد؟

روش

در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به نقد پدیدارشناسی به مثابه روش پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت پرداخته شده است.

چارچوب نظری

واژه نمودشناسی^۱ از سوی فیلسوفانی چون کانت و هگل نیز به کار برده شده است. اما با هوسرل است که نمودشناسی چون روش و نگرش فلسفی اهمیتی بنیادی می‌یابد و کسان بسیاری که از او تأثیر می‌پذیرند، آن را در حوزه‌های گوناگون به کار می‌گیرند (نقیب‌زاده، ۱۳۹۰ ص ۱۶۷).

این عقیده که هنگام مشاهده و فهمیدن، امور شخصی و ذهنی به میزان زیادی تأثیر گذار هستند، بسیاری از پژوهشگران و محققان را نگران کرده است. آن‌ها می‌خواهند به موضوع مورد تحقیق خود نزدیک‌تر شوند؛ می‌خواهند صافی ذهنیت را به هنگام جریان شناسایی دور نگاه داشته آن را حذف کنند؛ می‌خواهند همان طور که مارتین هایدگر گفته است «به خود اشیا» نایل آیند (بانکی، ۱۳۸۰، ص ۳۱).

اصلی‌ترین قاعده و روش پدیدارشناسی این است که انسان باید به خود چیزها روی آورد. روش پدیدارشناسی نه قیاسی است و نه تجربی؛ بلکه عبارت است از نشان دادن آنچه که داده شده است. این روش چیزی را بوسیله قانون‌ها توضیح نمی‌دهد و آن را از هیچ اصولی استنتاج

¹ phenomenology



نمی‌کند؛ بلکه بی‌واسطه، آنچه را که در برابر آگاهی قرار دارد-یعنی موضوع خود را-می‌بیند (همان، ص 30).

هوسرل بر این عقیده است که باید فلسفه به صورت دانشی دقیق درآید و با بررسی دقیق مفاهیمی که از آن‌ها استفاده می‌کنیم، ریشه و منشأ آن‌ها را روشن سازد (باقری، 1389 صص 257-294).

یافته‌ها

در تحلیل پدیدارشناختی، نظر بر این است که می‌توان با بکارگیری مراحل هم‌چون؛ درنظر گرفتن تجربه‌ی معین، در پرائتز قرار دادن، تغییر خیالی و مشخص کردن ماهیت به دریافت ماهیت کلی اثر هنری، هوش، تربیت و نظیر آن‌ها دست یافت (باقری و همکاران، 1389، صص 265-270). بنابراین روش پدیدارشناسی در پژوهش‌های فلسفه تعلیم و تربیت نیز، طی مراحل هم‌چون؛ توصیف پدیدارشناختی، برآوردن چارچوب نظری اولیه، جذب و سامان‌دهی یافته‌های پژوهشی و مواجهه مجدد با تجربه زیسته انجام می‌گیرد.

رویکرد پدیدارشناسی بر این امر تأکید می‌کند که هر موضوع را باید تا آن‌جا که شدنی است از پیرایه‌ها پیراسته، ساده نماییم. هوسرل در این زمینه همانند دکارت بر این عقیده است که به همان‌سان که دکارت برای رسیدن به یقین، رهایی از پیشداوری‌ها را نخستین گام می‌شمرد و برای وارheidن از هرگونه پیشداوری، کار خود را با شک بنیادی آغاز کرده بود، باید هرگونه داوری، نظر، فرضیه و پیشفرضی را درباره موضوع بررسی به کنار نهاد و از پذیرفتن همه آن‌ها و هرگونه توضیح و تفسیری پرهیز نمود و تنها به نگرش و گزارش و توصیف پرداخت تا ذات موضوعی که در دانستگی است نمایان گردد (نقیب زاده، 1390، ص 170).

با توجه به مطالبی که گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که پدیدارشناختی در مقام گرایشی روش شناختی، یقیناً "درحیطه روش‌شناسی‌های کیفی قابل بحث است و مشخصه بنیادین آن خصیصه مشترک همه روش‌های کیفی است (عبداللهی، 1389، ص 202).

بررسی نظریه‌های روش‌شناسی، ناظر بر شرایطی است که به فهم ماهیت پژوهش می‌انجامد. به طور کلی نظریه‌های روش‌شناسی با دیدگاه‌های فلسفی پیرامون ماهیت روش را می‌توان به



سه دسته کلی؛ اثبات‌گرایی^۱، پسااثبات‌گرایی^۲ و تفسیری^۳ طبقه‌بندی کرد (شعبانی ورکی، 1385، ص 42). طرفداران نظریه‌های تفسیری بر این باورند که پژوهش در قلمرو علوم انسانی، اقتضا می‌کند تا از هرگونه پیشداوری و یا پیشگویی به سبکی که نظریه پردازان عقل‌گرای انتقادی مطرح می‌کنند، پرهیز شود. در این نوع پژوهش‌ها، معرفت، به تعمیم‌پذیری، پیش‌بینی و کنترل مربوط نمی‌شود بلکه با تفسیر، معنا، درک رفتار و پدیدارهای اجتماعی ارتباط پیدا می‌کند (همان، صص 64-63).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پدیدارشناسی به عنوان یک روش نمی‌تواند در حوزه فلسفه تعلیم و تربیت مطرح شود؛ بلکه به عنوان یک نوع رویکرد می‌باشد، چون در صورتی آن را به عنوان روش در نظر بگیریم باید به صورت سیستماتیک به پدیده‌ها بنگریم و آنگاه نیاز به تدوین فرضیه، پیش‌بینی و کنترل هستیم و این امر در تضاد با پدیدارشناسی است که پدیده‌ها را بدون پیش‌فرض قبلی و بی‌واسطه مورد بررسی قرار می‌دهد.

روش‌شناسی فلسفه تعلیم و تربیت کاری جدید و بسیار ارزنده است. طریق کشف و شناسایی «موضوع، مسأله و فعالیت‌های فیلسوفان» مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین، به محققان بعدی پیشنهاد می‌گردد که با تأمل در زمینه رویکرد پدیدارشناسی، دیدگاه فیلسوفان دیگر نیز در این زمینه بررسی شود همچنین وجه تمایز و تشابه این رویکرد با رویکردهای دیگر حاکم در حوزه فلسفه تعلیم و تربیت مورد پژوهش قرار گیرد.

¹ positivism

² Post-positivism

³ Interpretive theory



منابع

- 1- باقری وهمکاران (1389) رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات، پژوهشکده مطالعات فرهنگی واجتماعی .
- 2- بانکی، فرزین، کارل رته، فریدریش (1380) مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق در تعلیم و تربیت، ترجمه احمد حیدری وحسین میرلوحی، انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت .
- 3- قراملکی، احد فرامرز (1385) روش‌شناسی مطالعات دینی، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- 4- گادامر، هانس گئورگ (1382) آغاز فلسفه، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: انتشارات هرمس.
- 5- Gadamer.H.G(1989)Truth and method .New York :continuum
- 6- Chamberlin, J. G (1974) phenomenological methodology and understanding education. London: Teachers College Press.